



مطالعه حوزة شرقی پراکنش سنت سفالی دالما، تأثیرات و برهمکنش‌های فرهنگی

حامد ذیفر

کارشناسی ارشد باستان‌شناسی از دانشگاه آزاد واحد ابهر

h.zifar@gmail.com

سارا طهران‌فر

دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی از دانشگاه تهران

S.tehranfar@yahoo.com

چکیده

فعالیت‌های میدانی و مطالعات باستان‌شناختی اخیر در محدوده شرقی کردستان و استان زنجان اطلاعات ارزشمندی از دوره مس‌سنگی میانی در اختیار پژوهشگران قرار داد. تل ۱۱ و ۱۲ در حوضه آبخیز سد تالوار کردستان، سه‌چای تپه در حوضه آبخیز سد گلابر زنجان و تپه شیزر در حوضه رودخانه خررود تاکستان از جمله محوطه‌های کاوش شده با فرهنگ سفالی دالماست. با مطالعه گونه‌های سفالی و مقایسه آن‌ها با سفال‌های حاصل از کاوش تپه‌ها و محوطه‌های منطقه و نیز مناطق هم‌جوار، ابتدا امکان ارائه تاریخ نسبی در محدوده اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد برای محوطه‌ها میسر گردید؛ و بر همین اساس تشابهاتی در سنت سفالگری اواخر هزاره پنجم ق.م دیده می‌شود که نشان از برهمکنش فرهنگی در یک محدوده جغرافیایی است. این محدوده شامل شرق و شمال‌شرقی استان کردستان، انتهای جنوب‌شرقی منطقه شمال‌غرب ایران (استان زنجان) و حاشیه غربی مرکزفلات ایران (غرب دشت قزوین) است؛ در محدوده زمانی مورد اشاره، فرهنگ سفالی تقریباً یکسانی وجود دارد که در مطالعه فرهنگ‌های پیش‌ازتاریخ منطقه حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی: سنت سفالی دالما، دوره مس‌سنگی میانی، اواخر هزاره پنجم ق.م، استان کردستان، استان زنجان



Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



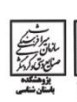


درآمد

حوزه شرقی پراکنش فرهنگ مس‌سنگی میانی قدیم یا از نظر هنریکسون و ویتالی (Henrickson & Vitali, ۱۹۸۷: ۳۷) فرهنگ سفالی دالما، شامل شرق استان کردستان، استان زنجان، قسمتی از استان همدان و نواحی غربی استان قزوین است. استان زنجان منطقه‌ای بین فرهنگی از غرب به حوزه فرهنگی شمال غرب، از جنوب و جنوب غرب به حوزه فرهنگی زاگرس و از شرق به حوزه فرهنگی مرکز فلات ایران منتهی می‌گردد. با قرار گرفتن در چنین موقعیتی، این منطقه علاوه بر داشتن ویژگی‌های فرهنگی خاص و منحصر بفرد، در مطالعات باستان‌شناختی پیش‌از تاریخ ایران به دور از دید و تحلیل باستان‌شناسان قرار گرفته است. کرانه غربی مرکز فلات ایران یا دروازه ورود شمال غرب در چند دهه گذشته در مطالعات پیش از تاریخی کمتر مورد توجه بوده و شرق زاگرس نیز از این امر مستثناء نبوده است.

مطالعات میدانی نچندان مسجم، در دهه اخیر در هر سه منطقه ذکر شده بر اساس روند اجرای پروژه‌های عمرانی و نجات بخشی صورت گرفته است که در ضمن این پروژه‌ها، یافته‌های ارزشمندی از دوران پیش از تاریخ، خصوصاً دوره مس‌سنگی بدست آمد. از جمله این پروژه‌ها، می‌توان به مطالعات میدانی در پشت سد تالوار کردستان که منجر به کاویدن دو تپه (تل ۱۱ و تل ۱۲ یا قشلاق) مربوط به استقرار از مس‌سنگ شد. تل ۱۱ استقرار موقت با نهشته‌های باستانی ضعیف که یک فصل مورد کاوش قرار گرفته (ولی پور، ۱۳۸۹) و حاوی مقادیر قابل توجه از تکه‌های سفال، ابزار سنگی و یه قطعه مهر استامپی است (ولی پور، ۱۳۸۹ و ذیفر، ۱۳۹۱). تل ۱۲ تپه قشلاق که تا کنون سه فصل مورد کاوش قرار گرفته (مترجم، ۹۳، ۹۲، ۱۳۸۹) و با نهشته‌هایی به ضخامت ۱۴ متر، از دوره مس‌سنگی آثار قابل توجهی از معماری و سفالگری بدست آمد. علاوه بر این دو تپه، در منطقه شرق کردستان (شهرستان بیجار)، تپه کلنان نیز استقرار از دوره مس‌سنگ حاوی سفال‌هایی مشابه سنت سفالی دالما بوده که کاوش شده و داده‌های آن انتشار یافته است (ساعد موچشی، ۱۳۹۰).

پروژه دیگر سد گلابر در جنوب استان زنجان بوده که بموجب آن طرح کاوش و نجات بخشی تپه سها در یک فصل اجرا شد و آثار ارزشمندی از معماری و سفالگری دوره مس‌سنگ میانی بدست آمد (عالی، ۱۳۸۶ و رحیمی، ۱۳۸۷). در کرانه غرب مرکز فلات ایران، تنها تپه شیزر طی پژوهش‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر در یک فصل مورد لایه‌نگاری و کاوش قرار گرفت. در این تپه نهشته‌های باستانی حاوی مقادیر قابل توجهی از دوره مس‌سنگ میانی همراه آثار معماری بدست آمد (ولی پور، ۱۳۸۵). آنچه که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، آثار مرتبط به دوران مس‌سنگ میانی در حوزه پیش گفته است که از رهگذر کاوش‌های باستان‌شناختی ذکر شده، بدست آمده است. در نوشتار پیش رو آنچه که از میان یافته‌های دیگر مورد توجه قرار خواهد گرفت، سفال‌های مربوط به دوران مس‌سنگ میانی یا سنت سفالی دالما است. بر همین مبنا، قدمت، مشابهت‌های سفالی و درک روند فعالیت‌های انسانی در دوره مذکور در حوزه فوق، مطالعه می‌گردد. با گونه‌شناسی داده‌های سفالی و مقایسه آن‌ها، می‌توان گاه‌نگاری نسبی برای این استقرارها، ارائه کرد و همچنین میزان برهمکنش‌های فرهنگی این محدوده با مناطق همجوار و فرهنگ‌های همزمان را سنجید. این دست از مطالعات می‌تواند آگاهی‌های در خور توجهی از ارتباطات منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در اختیار قرار دهد.

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



بحث

بخش عمده‌ای از سفال‌های مس‌سنگی میانی بدست آمده از مناطق فوق مرتبط با سنت سفالی دالما است که از محدوده گسترده‌ای از زاگرس مرکزی (Young & Levine, ۱۹۷۴; Hamlin, ۱۹۷۳; Levine, ۱۹۷۴; Hamlin, ۱۹۷۳; Levine, ۱۹۷۵; Levine, ۱۹۷۲; Levine, ۱۹۷۶; Mortensen, ۱۹۷۴; Levine & Hamlin, ۱۹۷۴; Levine & McDonald, ۱۹۷۷; Levine & Young, ۱۹۸۵; Henrickson, ۱۹۸۳; Young, ۱۹۸۶) شمال غرب (Solecky & Solecky, ۱۹۹۹; Solecky, ۱۹۶۹; Young, ۱۹۶۳; Levine, ۱۹۷۵; Hamlin, ۱۹۷۳) یافت شده است. این سنت سفالی با گونه‌های مختلفی از جمله سفال‌های منقوش و سفال ساده با پوشش غلیظ قرمز معرفی شده است. محوطه‌های مرتبط با این سنت سفالی دارای پراکندگی چشم‌گیر از منظر چشم‌اندازهای مختلف جغرافیایی بوده و به لحاظ وسعت و نوع استقرار نیز تنوع قابل توجهی دارند؛ از جمله می‌توان به استقرارهای دائم، کوچ‌نشینی عمودی، کوچ‌نشینی افقی و استقرار نیمه کوچ‌نشینی اشاره کرد. سفال‌های بدست آمده از محوطه‌های مربوط به این دوره نیز متنوع بوده و دارای ویژگی‌های منطقه‌ای و بومی است.

در این پژوهش از همان اصطلاحات رایج مرتبط با سنت سفالی دالما پیروی می‌نماید و تمامی گونه‌های سفالی دالما از محوطه‌های ذکر شده مطالعه شده و تشابه این گونه‌ها سنجدیده می‌شود. در مطالعه سفال‌های این محوطه‌ها، سفال‌های بدست آمده از روی نوع و از نظر حرارت، آمیزه، قطر، شکل، رنگ و نوع سفال در طبقه‌بندی اولیه قرار گرفته‌اند که متغیرهای سفالی ذکر شده در گونه‌های معرفی شده سنجدیده و مورد بررسی قرار می‌گیرد. این گونه‌ها شامل ۲ گونه اصلی ساده و منقوش بوده که هر یک دارای زیرگونه‌های مختلفی است.

گونه سفال ساده

ویژگی‌های کلی تکنولوژیکی در این گونه و تمامی زیرگونه‌های آن تقریباً مشابه است و تفاوت اصلی در رنگ پوشش بیرونی آنهاست. این گونه بر اساس رنگ پوشش بیرون سفال‌ها به ۴ گروه پوشش قرمز، قهوه‌ای، نخودی و کرم تقسیم شده است. زیرگروه‌های این گونه سفالی به ترتیب بیشترین فراوانی عبارتند از: سفال ساده با پوشش رنگ قرمز، سفال قهوه‌ای، سفال نخودی و سفال کرم. همه سفال‌های این گونه دست‌سازند. آمیزه این سفال‌ها گیاهی است. در بیشتر سفال‌های این گروه، در قسمت داخل و بیرون پوشش گلی غلیظ بکار رفته است. در مواردی نیز از دوپوشش روی هم (اسلیپ دوپل) استفاده شده است. از لحاظ انسجام خمیره و کیفیت ساخت، سفال‌ها به ترتیب فراوانی در گروه متوسط، خشن و ظریف طبقه‌بندی می‌شوند. خمیره این گروه از سفال‌ها همچون دیگر گونه‌های سفالی به رنگ نخودی و یا قرمز روشن بوده که اکثراً خاکستری و دودزده هستند. رنگ بیرون تمامی سفال‌های ساده با پوشش قرمز در سه طیف مختلف از رنگ قرمز^۱ بوده و رنگ داخل سفال‌ها بیشتر به رنگ پوشش بیرون است اما درصد کمی از آنها به رنگ قهوه‌ای هستند. رنگ بیرون در سفال‌های ساده قهوه‌ای در دو طیف از رنگ قهوه‌ای^۲ بوده و

^۱ - بر اساس جدول رنگ مانسل شامل سه طیف ۱۰R ۵/۸ Red; ۱۰R ۶/۸ Light Red; ۲,۵YR ۵/۸ Red می‌شوند.

^۲ - بر اساس جدول رنگ مانسل شامل دو طیف ۲,۵YR ۶/۴ Light reddish brown; ۲,۵YR ۴/۴ reddish brown می‌شوند.

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



رنگ داخل سفال‌ها بیشتر به رنگ پوشش بیرون است و درصد کمی رنگ قرمز دارند. رنگ بیرون در سفال‌های ساده نخودی در دو طیف از رنگ نخودی^۳ بوده و رنگ داخل سفال‌ها بیشتر به رنگ پوشش بیرون است و درصد کمی به رنگ قرمز هستند. رنگ بیرون در سفال کرم در یک طیف از رنگ کرم بوده و رنگ داخل سفال‌ها به رنگ قرمز، قهوه‌ای و کرم تشکیل می‌دهد. اکثر سفال‌های ساده در سطح بیرون و داخل پرداخت شده و صیقلی هستند و درصد اندکی از آنها به صورت دست مرطوب پرداخت شده‌اند.

فرم‌های مختلفی در گونه سفال ساده بازسازی شده، این فرم‌ها شامل کاسه، خمره، سبو، پیاله و درپوش هستند. کاسه‌ها بیشترین فراوانی را داشته و خود شامل: ۱- کاسه‌های دهانه باز عمیق، ۲- کاسه‌های دهانه باز کم عمق، ۳- کاسه‌های دهانه بسته و ۴- کاسه‌هایی با لبه عمود بر بدنه می‌شوند. خمره‌ها نیز از نظر ابعاد، اندازه و ضخامت بدنه به گروه‌های: ۱- خمره‌های بزرگ، ۲- خمره‌های متوسط و ۳- خمره‌های کوچک طبقه‌بندی می‌شوند. برای تفکیک سبوها از خمره‌ها، شکل بدنه و قطر دهانه در نظر گرفته شده و بیشتر این سبوها دارای لبه عمود بر بدنه (گردن) هستند. ظروف کوچک و کم ارتفاعی که قطر دهانه آنها کم‌تر از ۸ سانتیمتر و ضخامت آنها بین ۳ الی ۶ میلی‌متر است به عنوان پیاله در نظر گرفته شده‌اند. پیاله‌ها دارای انحنا به داخل در نزدیک لبه بوده و عمق کمی دارند. تعداد اندکی درپوش از محوطه بدست آمده است. هرچند نمی‌توان درپوش را به عنوان یک فرم مجزا در نظر گرفت اما از آنجا که بیشتر نمونه‌ها دارای نقش کنده بودند. تمامی دسته‌های بدست آمده از این محوطه‌ها از نوع دسته‌های افقی و نزدیک لبه هستند. کف‌های بدست آمده در دو گروه کف تخت و کف مقعر طبقه‌بندی می‌شوند. بیشتر کف‌ها از نوع مقعر بوده و درصد کمی نیز از نوع تخت هستند (طرح ۱ و تصویر ۱).

گونه سفال منقوش

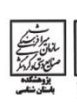
گونه منقوش بر اساس نوع نقش به چهار گروه اصلی قابل طبقه‌بندی هستند. هر چهار گروه دارای تشابهات تکنولوژیکی زیادی با هم هستند که در ادامه ذکر آن خواهد گذشت. این گروه‌ها به ترتیب فراوانی عبارتند از سفال با نقش کنده، سفال پانچ، سفال منقوش تکرنگ و سفال با نقش افزوده.

۱- سفال با نقش کنده: این گروه بیشترین فراوانی را در بین سفال‌های منقوش به خود اختصاص داده است. پوشش بیرون در این سفال متنوع بوده و شامل پوشش قرمز، پوشش قهوه‌ای، پوشش نخودی و همچنین بدون پوشش بوده که به احتمال زیاد پوشش گروه آخر ریخته و از بین رفته است. این گونه همچون گونه سفال ساده دارای آمیزه گیاهی بوده و در داخل پوشش گلی غلیظ داشته و در برخی موارد در داخل آثاری از پرداخت و صیقل است و بدلیل نوع نقش در بیرون سفال پرداختی صورت نگرفته است. بیشتر سفال‌های این گونه در بیرون ظروف بدون پوشش بوده و یا به علت نوع نقش پوشش بیرونی آنها ریخته و از بین رفته است. خمیره این نوع همچون گونه سفال ساده به رنگ نخودی و در بیشتر موارد به صورت دودزده و خاکستری است. از لحاظ کیفیت و انسجام خمیره سفال‌ها بیشتر در گروه ظروف خشن و کمتر متوسط و ظریف قرار می‌گیرند. نقوش بکار رفته در این گونه سفالی به صورت خطوط کنده عمودی، خطوط جناغی و نقوش هندسی است که در بیرون ظروف در قسمت میانی و قسمت نزدیک به کف و در زیر کف ایجاد شده است. نقوش جناغی بیشترین فراوانی را دارند. فرم‌های بازسازی شده در این گونه شامل

^۳ - بر اساس جدول رنگ مانسل شامل دو طیف ۱۰YR ۸/۴ very pale brown; ۱۰YR ۸/۸ yellow می‌شوند.



Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science





کاسه‌های دهانه باز و کم عمق، تعداد کمتری مربوط به خمره در اندازه متوسط، سبوها و قطعاتی مربوط به درپوش و کف ظروف می‌گردد. در بین کف‌های شناسایی شده نمونه‌هایی وجود دارد که دارای نقش کنده درست در قسمت میانی کف هستند. این نقوش به صورت جناغی هستند و به نظر می‌رسد که علامت سفالگر (?) باشند. در مواردی نقوش کنده خطی به صورت خطوط عمودی و مورب با نقوش کنده کوچک به شکل بیضی مورب ترکیب شده و در کنار هم ایجاد شده‌اند که نمونه‌های این نقوش در تپه سها زنگان دیده شده است (تصویر ۵ و طرح ۳).

۲- سفال منقوش سوراخ‌دار (پانچ): در آمیزه سفال‌های این گروه همچون دیگر سفال‌ها از مواد گیاهی و گاه استفاده شده است. در بیشتر سفال‌های این گروه، در قسمت داخل و بیرون پوشش گلی غلیظ بکار رفته است. رنگ بیرون این گروه سفالی بیشتر در طیفی از رنگ قرمز و کمتر قهوه‌ای بوده و رنگ داخل سفال‌ها نیز بیشتر به رنگ قرمز و درصد کمی به رنگ قهوه‌ای است. خمیره این گروه از سفال‌ها همانند دیگر گونه‌های سفالی به رنگ نخودی است که برخی موارد به رنگ خاکستری و دود زده است. از لحاظ انسجام خمیره و کیفیت ساخت، سفال‌ها به ترتیب در گروه متوسط و خشن طبقه‌بندی شدند. سفال‌های منقوش پانچ بیشتر در سطح داخل و کمتر در بیرون دارای پرداخت و صیقل هستند. محل تزئین در این گروه از سفال‌ها همگی در قسمت بدنه است. سبک ایجاد این نقوش به دو صورت اجرا شده است که در سبک اول با یک شی نوک تیز و توپر روی سطح سفال سوراخ شده که این نوع سفال در تل ۱۱ تالوار به تعداد زیاد بدست آمده و در سبک دوم، سطح بیرونی سفال با یک شی توخالی همچون نی سوراخ‌های ایجاد شده و نمونه‌هایی از این سفال در تپه سها زنگان دیده شده است. این نقوش بیشتر در بیرون ظروف ایجاد شده و سوراخ‌های ایجاد شده تا نیمی از ضخامت سفال عمق دارند.

۳- سفال منقوش تک‌رنگ: سفال‌های منقوش تک‌رنگ، درصد کمی از سفال‌های بدست آمده از محوطه‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. در تمامی سفال‌های این گروه، در قسمت داخل و بیرون لعاب گلی غلیظ بکار رفته است. در آمیزه این سفال‌ها همچون دیگر سفال‌ها از مواد گیاهی استفاده شده است. رنگ بیرون تمامی این گروه سفالی در طیفی از رنگ قرمز بوده و رنگ داخل سفال‌ها بیشتر به رنگ قرمز و درصد کمی به رنگ قهوه‌ای است. از لحاظ انسجام خمیره و کیفیت ساخت، سفال‌ها به ترتیب در گروه متوسط، ظریف و خشن طبقه‌بندی شدند. خمیره این گروه از سفال‌ها همانند دیگر گونه‌های سفالی به رنگ نخودی یا قرمز بوده که به علت پخت نامناسب دودزده است. سفال‌های منقوش رنگی تماماً در سطح داخل و بیرون دارای پرداخت و صیقل هستند. محل تزئین در این گروه از سفال‌ها اکثراً در قسمت بدنه است. رنگ نقش ایجاد شده بیشتر به رنگ قهوه‌ای و کمتر به رنگ کرم و سیاه هستند. اکثر نقوش از نوع هندسی هستند و تنها نمونه نقش بز از تا ۱۱ تالوار بدست آمده است. در میان نقوش بکار رفته، نقشی متداول در تل ۱۱ و تپه قشلاق دیده می‌شود که شکل این نقش مشابه حرف M (تنها از نظر ریخت و شکل و نه بطور قطع) یا زیگزگی است. این نقش در روی بدنه نزدیک کف ایجاد شده و در مواردی با خطوط کوچکی ترکیب شده است. دلیل ایجاد و کاربری این نقش نیازمند بررسی و مطالعات بیشتری است (تصویر ۲ و ۶).

۴- گونه سفالی نقش افزوده: سفال‌های نقش افزوده آخرین گروه از گونه منقوش‌اند که درصد بسیار کمی از کل سفال‌ها را به خود اختصاص می‌دهند. در بیشتر سفال‌های این گروه، در قسمت داخل و بیرون پوشش گلی غلیظ بکار رفته است. شاموت این گروه سفالی همانند دیگر گونه‌ها، گیاهی و آثاری از گاه در آن دیده می‌شود. رنگ بیرون بیشتر این گروه سفالی در طیفی از رنگ



قرمز بوده و کمتر نیز به رنگ قهوه‌ای است. رنگ داخل این سفال‌ها بیشتر به رنگ قرمز است. خمیره این گروه از سفال‌ها همانند دیگر گونه‌های سفالی به رنگ نخودی و قرمز دودزده است. از لحاظ انسجام خمیره و کیفیت ساخت، سفال‌ها به ترتیب در گروه خشن و متوسط طبقه‌بندی می‌شوند. سفال‌های نقش افزوده بیشتر در سطح داخل و کمتر در بیرون دارای پرداخت و صیقل هستند. محل تزئین در این گروه از سفال‌ها همگی در قسمت بدنه و نزدیک لبه است. نوع خاصی از سفال نیز وجود دارد که در آن یک نوار برجسته دورتادور لبه ظرف ایجاد شده و روی این نوار برجسته با نقش کنده تزئین شده است. از بین سفال‌های نقش افزوده فقط فرم‌های بازسازی شده شامل کاسه با دهانه باز و کم عمق و یا خمره بزرگ است. نمونه‌های از نقوش افزوده بصورت دسته در میان سفال‌های این محوطه‌ها بدست آمده است که شامل دسته‌های افزوده انگشتی که آثار فشار در دو یا سه قسمت دسته دیده می‌شود و همچنین دسته‌هایی مشابه شاخ (دسته شاخی) که پیشینه کاربرد این دسته‌ها به قبل از دوران مس سنگ می‌رسد و به تعداد اندک در میان سفال‌های تپه کلنان و تپه قشلاق بدست آمده است (موچشی، ۱۳۹۰ و مترجم، ۱۳۸۹).

با طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های مس سنگی مشخص گردید که تفاوت چندانی از لحاظ تکنولوژی تولید و ساخت سفال، بین سفال‌های ساده و سفال‌های منقوش وجود ندارد. این امر در شکل و فرم ظروف و همچنین در نقش‌های مختلف نیز دیده می‌شود. با توجه به آمارهای ارائه شده، بیشترین نوع سفال‌ها مربوط به سفال‌های ساده با پوشش به رنگ‌های مختلف است. به علاوه تنوع شکل ظروف و فرم‌ها در سفال‌های ساده بیشتر از سفال‌های منقوش است. در آغاز بحث وجوه اشتراک و افتراق گونه‌های مختلف سفال دالمایی محوطه‌ها با تکیه بر آنچه در بالا گذشت ارائه می‌گردد.

همه سفال‌های دالمایی محوطه‌ها دست‌سازند. کیفیت ساخت در سفال‌های ساده، به ترتیب متوسط، خشن و کمتر ظریف است. اما گونه‌های سفالی نقش کنده و سوراخ‌دار (پانچ) بیشتر از نوع خشن و گونه سفال منقوش رنگی اکثراً ظریف و متوسط هستند. ممکن است این امر در وهله اول با شیوه نقش‌اندازی و سپس با کاربری ظروف در ارتباط بوده باشد. اما کیفیت پخت در همه سفال‌های محوطه یکسان بوده و تمامی سفال‌ها خمیره‌ای به رنگ نخودی با مغز دودزده دارند. آمیزه تمامی سفال‌ها نیز عمدتاً گیاهی است که البته مقدار و نیز ریزی و درشتی آن از سفال خشن به ظریف متفاوت است. در اکثر سفال‌ها از لعاب گلی غلیظ برای پوشش سطح داخل و بیرون سفال استفاده شده است. در مواردی نیز دو لایه پوشش (اسلیپ دوپل) در سفال‌ها به چشم می‌خورد. البته در برخی از سفال‌های نقش کنده و پانچ (سوراخ‌دار) لعاب گلی وجود ندارد که احتمالاً به علت نوع نقوش ایجاد شده، پوشش آنها ریخته است.

همان‌گونه که ذکر آن گذشت چهار شیوه مختلف برای نقش‌اندازی بر روی سفال‌های مس سنگی محوطه‌ها استفاده شده است. در این میان نقش کنده بیشترین و نقوش افزوده کمترین فراوانی را دارند. رایج‌ترین نقش‌مایه در این سفال‌ها، نقوش جناغی و پس از آن خطوط موازی است. نقوش در قسمت‌های مختلف از ظرف ایجاد شده‌اند. زیر لبه، روی لبه، نزدیک کف، روی درپوش. البته این بدان معنا نیست که سفال‌ها پرتزئین بوده و بخش‌های مختلف از یک ظرف همزمان برای نقش‌اندازی استفاده شده است، بلکه منظور این است که سفالگران محوطه توجه خود را به بخش یا بخش‌هایی خاص از سفال برای نقش‌اندازی محدود نکرده‌اند. استفاده از موتیف‌های ترکیبی کم‌تر دیده می‌شود. این موارد اندک نیز عمدتاً در سفال‌های نقش کنده در ترکیب جناغی‌ها با



خطوط موازی، ترکیب نقوش کنده با پانچ^۴ یا ترکیب نقوش افزوده با نقوش کنده دالبری به چشم می‌خورد که نمونه‌هایی از آن‌ها در تپه سها مشاهده شده است. هیچ موردی از ترکیب نقوش رنگی با غیررنگی شناسایی نشده است. تنها نمونه نقش حیوانی بدست آمده از محوطه تل ۱۱، نقش یک بز به حالت مسبک است که شاخ‌های آن به شکل دو دایره بزرگ‌تر از کل حجم بدن حیوان کشیده شده است. هم در این مورد و هم در مورد سایر سفال‌های منقوش تک‌رنگ محوطه از رنگ کرم و قهوه‌ای بر روی زمینه قرمز و قهوه‌ای برای نقش‌اندازی استفاده شده است. نکته قابل ذکر دیگر در مورد نقوش سفالی اینکه در موارد اندکی زیر کف سفال نقش‌اندازی شده که ممکن است اثر یا نشان سفالگر باشد. البته این مورد تنها یک احتمال است و متأسفانه تعداد زیادی از این نوع در دست نیست.

با توجه به مشخصات سفال‌های دوره مس‌سنگی میانی در این منطقه، حال می‌توان تشابهات و تفاوت‌های سنت سفالی دالما را دقیق‌تر بررسی کرد. سفال‌های ساده با پوشش گلی غلیظ به رنگ قرمز، قهوه‌ای و اندکی نخودی یا کرم رایج‌ترین سفال در بین تپه‌ها و محوطه‌های مذکور هستند. ویژگی‌های تکنولوژیکی این گونه در شرق کردستان همسان بوده و به نظر می‌رسد که فرآیند ساخت سفال در آنها تا حدود زیادی یکسان است. استفاده از لعاب گلی غلیظ در داخل و بیرون همراه با پرداخت و گاهی به صورت دوپوشش، خمیره نخودی و اغلب دودزده، آمیزه گیاهی و ندرتاً ترکیبی از مواد آلی و کانی در این گونه سفالی، تقریباً در تمامی محوطه‌های این منطقه دیده می‌شود و بیشترین پراکندگی را در بین تمامی گونه‌های سفال دالما در منطقه داشته و حتی در همه فازهای شناسایی شده این دوره دیده می‌شود. البته رنگ‌های مختلف پوشش گلی در این سفال‌ها می‌تواند بیانگر تفاوت در فازهای استقرار تپه‌ها و محوطه‌ها باشد (ساعدموچشی و دیگران، ۱۳۹۰ الف: ۳۸). گذشته از تفاوت رنگ پوشش‌های گونه سفالی ساده دالما، آنچه ملموس است، فراوانی این گونه سفالی نسبت به سایر گونه‌ها در محوطه‌ها و تپه‌های منطقه است. کاسه‌ها رایج‌ترین فرم‌های بازسازی شده از این گونه هستند که نمونه‌های آن هم از محوطه‌های کاوش شده هستند.

پس از سفال ساده گونه سفال نقش کنده دالما رایج‌ترین گونه در محوطه‌ها بوده و پراکندگی آن تقریباً منطبق با سفال گونه ساده با لعاب غلیظ گلی است. نقش‌مایه‌های جناغی، خطوط موازی عمودی یا افقی، نقوش دالبری (عمدتاً در ترکیب با نقوش افزوده) رایج‌ترین نقش‌مایه‌های تزئینی در این گونه‌اند (طرح ۳). به نظر می‌رسد که نقش‌مایه‌های جناغی در گونه نقش کنده از ویژگی‌های حوزه شرقی سنت سفالی دالما باشند، چرا که در منطقه آذربایجان و زاگرس مرکزی به نقش کنده جناغی اشاره نشده است. سفال‌های این گونه بیشتر خشن هستند و این مسأله ممکن است با کاربری این ظروف در ارتباط باشد. علت انتخاب نقش کنده برای این سفال‌ها نیز ممکن است همین مسأله باشد. در این گونه نیز کاسه‌ها رایج‌ترین فرم‌ها هستند.

سفال منقوش تک‌رنگ دالما نیز در محوطه‌ها شناسایی شده است، هرچند که پراکندگی آن به هیچ عنوان قابل مقایسه با دو گونه پیش‌گفته نبوده و کم‌تر است. این گونه سفالی در کاوش‌های تل ۱۱ و تل ۱۲ تالوار به تعداد اندک بدست آمده که مشابهت‌های زیادی در نوع نقش و رنگ بکار رفته در آن‌ها دیده می‌شود و در میان سفال‌های تپه سها به همین نسبت به سفال‌های ساده و نقش کنده کمتر دیده می‌شوند اما در رنگ نقش و تنوع نقوش با تپه‌های فوق متفاوت است و مشابه سفال‌های تپه شیرز تاکستان

^۴ - آنگونه که بیشتر شرح داده شد، منظور از نقوش پانچ آن دسته از سوراخ‌های ایجاد شده روی بدنه سفال است که تنها تا نیمی از ضخامت ظرف عمق دارند و اغلب با تعداد زیاد در کنار هم بر روی یک طرف دیده می‌شوند، نه سوراخ‌های ایجاد شده در ظروفی نظیر آبکش. هرچند نمونه‌هایی با سوراخ سرتاسری نیز بدست آمده اما در این موارد تنها یک یا دو سوراخ در کنار هم دیده می‌شود نه مجموعه‌ای از سوراخ‌ها.



است. نقش‌مایه‌های عمدتاً هندسی ساده این گونه به رنگ کرم، زرد و قهوه‌ای بر روی زمینه قرمز و یا قهوه‌ای ایجاد شده‌اند و اکثراً در قسمت بیرون ظروف به کار رفته‌اند اما نمونه‌هایی نیز با تزئین در قسمت داخل وجود دارد. این گونه سفالی عمدتاً جزو گونه‌های ظریف هستند. سفال منقوش تک‌رنگ علاوه بر حوضه آبریز تالوار از محوطه‌های دالمایی خارج از این منطقه، در استان زنجان از حوضه آبریز ابهرود (خسروی و دیگران، ۱۳۸۸) و سه‌چای تپه (عالی، ۱۳۸۶؛ رحیمی سرخنی، ۱۳۸۷) و در کرانه غربی مرکز فلات ایران از تپه شیزر تاکستان (ولی‌پور، ۱۳۸۵) نیز بدست آمده و نشان از برهمکنش فرهنگی این مناطق در دوره مس‌سنگ دارد.

گونه سفال با تزئینات سوراخ‌دار (پانچ) که بیشتر در ظروف خشن و متوسط دیده شده و در بیشتر موارد پوشش گلی ظرف در قسمت تزئینات ریخته و از بین رفته، از کاوش‌های محوطه تل ۱۲ (مترجم، ۱۳۸۹) و تپه کلنان (ساعد موجشی، ۱۳۹۰) بدست نیامده و تنها محوطه کاوش شده دارای این سفال در منطقه، تل ۱۱ است. در بین محوطه‌های اشاره شده در بررسی حوضه آبریز سد تالوار، تپه صلوات‌آباد^۵ (تل ۱۴) نیز با این سفال معرفی شده است (وحدتی‌نسب و حیدریان، ۱۳۸۸: ۶۵، تصویر ۶). نکته جالب توجه در این خصوص بدست آمدن این گونه از محوطه‌های خارج از این منطقه در سه‌چای تپه زنجان (عالی، ۱۳۸۶؛ رحیمی سرخنی، ۱۳۸۷) است. سفال‌های با نقوش افزوده و ترکیب نقش افزوده با کنده (عمدتاً نقوش دالبری) نیز از محوطه‌های کاوش شده بدست آمده است. هرچند که به نسبت سایر گونه‌ها فراوانی کم‌تری دارند.

موارد مذکور وجوه اشتراک در سنت سفالی دالما در شرق زاگرس و کرانه غربی مرکز فلات ایران است. گونه‌های پیش‌گفته تقریباً در تمامی منطقه عمومیت دارند. اما برخی گونه‌های شاخص فرهنگ دالما نیز هستند که چنین پراکندگی را نشان نمی‌دهند. یکی از این گونه‌های سفالی، سفال فشاری (Impress) است. در بین تمامی محوطه‌های دالمایی بررسی و کاوش شده در شرق کردستان (عمدتاً شهرستان بیجار) این گونه سفالی تنها از لایه‌های فوقانی تپه کلنان (ساعد موجشی و دیگران، ۱۳۹۰ الف) گزارش شده است. از کاوش در تل ۱۱، تپه قشلاق، تپه سه‌چای زنجان و تپه شیزر تاکستان هیچ نمونه‌ای از این گونه بدست نیامد. البته لازم به توضیح است که از این گونه سفالی در محوطه‌های بررسی شده در جنوب شرقی استان کردستان (قروه و دهگلان) مثلاً از تپه خان‌احمدخان، برمه‌تپه و یوخاری‌قلعه‌باباشیدالله بدست آمده است (ساعد موجشی و دیگران، ۱۳۹۰ ب). سفال فشاری معرف مراحل پایانی مرحله میانی از دوره دالما و تمامی فاز جدید آن است (وویت و دایسون، ۱۳۸۲: ۱۱۹؛ Hamlin, ۱۹۷۵: ۱۷۳-۱۱۹; Henrickson, ۱۹۸۳). این سفال در محدوده شرقی کردستان تنها تپه کلنان^۶ و تعداد اندکی از محوطه‌ها که در جنوب شرقی (قروه و دهگلان) کردستان قرار دارند یافت شده و به سمت شمال و شمال شرقی تا بحال از هیچ محوطه‌ای گزارش نشده است. آیا می‌توان این مسأله را با کاهش تعداد استقرارها یا کاهش جمعیت در بخش‌های شرقی کردستان در فازهای جدید دالما در ارتباط دانست؟ یا اینکه شیوه‌های نقش اندازی دیگری همچون نقش کنده‌های جناغی و نقش پانچ جایگزین و یا متداول شده‌اند، پاسخ به این فرض نیاز به بررسی‌های پیمایشی و دقیق‌تر در منطقه مورد بحث دارد.

^۵ - در نقشه‌ای که سوئینی از محوطه‌های نوسنگی و مس‌سنگی در بررسی خود ارائه می‌دهد محوطه‌ای به نام صلوات‌آباد (T۸۴) در منطقه مورد نظر در این نوشتار و درست در کنار روستای صلوات‌آباد (به زبان مردم محل صلوات‌آباد) اشاره می‌کند (Swin, ۱۹۷۵) که به احتمال فراوان همین محوطه تل ۱۴ باشد.

^۶ - در کلنان نیز این سفال از ۳ لایه بالایی بدست آمده است (ساعد موجشی و دیگران، ۱۳۹۰ الف: ۳۹).



به مانند سفال فشاری، سفال مخطط دالما (Streaky) نیز که از گونه‌های شاخص این سنت در آذربایجان و زاگرس مرکزی است؛ از محوطه‌های کاوش شده بدست نیامده است. این گونه تنها در بررسی‌های باستان‌شناختی جنوب کردستان (قروه و دهگلان) مثلاً در تپه خان‌احمدخان (ساعد موچشی و دیگران، ۱۳۹۰ ب) ثبت شده است.

بر آیند

باتوجه با مباحث مطرح شده در مشخصات سفالی محوطه‌های مورد مطالعه، نتایج زیر قابل ارائه است. رایج‌ترین گونه سفالی در منطقه یعنی سفال ساده دالما با پوشش غلیظ بر اساس داده‌های لایه‌نگاشتی از استقرارهای کاوش شده دوره دالما در مناطق مذکور از تمامی فازها و انواع استقرارها بدست آمده و بر مبنای داده‌های بررسی، پراکندگی وسیعی دارد (تصویر ۱). رنگ پوشش بیرون ظروف در این گونه به تدریج و با گذشت زمان و در مناطق جغرافیایی مختلف تغییر کرده است. بدین صورت که سفال‌های با پوشش قرمز و پس از آن قهوه‌ای قدیم‌تر و سفال‌های نارنجی و کرم جدیدتر هستند. این گونه در شرق و جنوب شرق کردستان، در استان زنجان و نهایتاً در کرانه غربی مرکز فلات ایران در تمامی محوطه‌های مربوط به دوره دالما دیده می‌شود و بیشترین فراوانی را نیز دارد. پراکندگی سفال نقش‌کنده نیز در بخش‌های شرقی استان کردستان زیاد است اما در قسمت‌های جنوب‌شرقی آن فراوانی دیده نمی‌شود. به لحاظ فراوانی نیز این سفال بعد از سفال ساده بیشترین تعداد را دارد.

نکات جالب توجه در خصوص سفال‌های منقوش تک‌رنگ، اولاً مشابهت‌های بسیار زیادی بین نمونه‌های بدست آمده از این گونه در دو محوطه تل ۱۱ و تل ۱۲ دیده می‌شود؛ (تصویر ۲ و ۶) دو نکته در این خصوص را نباید از نظر دور داشت. نخست آنکه این دو محوطه تنها ۲/۵ کیلومتر از هم فاصله دارند. دوم آنکه تل ۱۱ به احتمال فراوان محوطه‌ای با استقرار کوچ‌نشینی از دوره دالما (ولی‌پور، ۱۳۸۹؛ ذیفر، ۱۳۹۱) است اما تل ۱۲ یا تپه قشلاق استقراری دائم از همین دوره است. بر اساس شواهد سفالی، این دو استقرار همزمان هستند و به نظر می‌رسد که با توجه به وجود سفال ساده، نقش‌کنده و منقوش تک‌رنگ و نیز عدم حضور سفال مخطط (Streaky) و فشاری در این دو محوطه، هر دو مرتبط با فاز میانی از دوره دالما باشند. از سوی دیگر از تپه کلنان هیچ نمونه‌ای از سفال منقوش تک‌رنگ دالما گزارش نشده در حالیکه این محوطه سفال ساده و نقش‌کنده و نیز سفال فشاری را دارا است. یعنی بر خلاف دو محوطه تل ۱۱ و ۱۲، استقرار در تپه کلنان در فاز جدید دوره دالما ادامه پیدا کرده است. به علاوه تپه کلنان تنها محوطه کاوش شده در بخش‌های شرقی کردستان است که سفال فشاری دارد و از این محوطه به سمت شرق هیچ نمونه‌ای در حوضه آبریز تالوار و استان زنجان و حتی تپه شیزر تاکستان از این گونه گزارش نشده است. این احتمال وجود دارد که با ورود به فاز جدید دوره دالما، توجه جوامع ساکن در منطقه به بخش‌های جنوبی، جنوب‌شرقی و غربی‌تر جلب شده باشد. با توجه به حضور سفال‌های فشاری و دالما - عبید در مناطق یادشده این احتمال پررنگ‌تر می‌شود، هرچند که پذیرش قطعی آن همچنان نیاز به پژوهش بیشتر دارد.

نوع نقش و رنگ بکار رفته برای تزئین سفال‌های تل ۱۱ و تپه قشلاق تالوار کاملاً شبیه به هم بوده اما تنوع این سفال‌ها در تپه قشلاق بیشتر از تل ۱۱ است که این امر را می‌توان ناشی از تفاوت در نوع استقرار (استقرار دائم در تل ۱۲ و موقت در تل ۱۱) در این دو تپه دانست. براساس وجود سفال منقوش تک‌رنگ (شاخص مراحل ابتدائی فاز میانی دالما) و نبود سفال منقوش فشاری

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



(معرف مراحل پایانی فاز میانی و سراسر فاز جدید دالما) (وویت و دایسون، ۱۳۸۲: ۱۱۹؛ ۱۱۷-۱۱۹؛ Hamlin, ۱۹۷۵: ۱۷۳: ۱۷۳) در تل ۱۱ و تل ۱۲ تالوار و با توجه به تاریخ‌گذاری‌های مطلق صورت گرفته در مناطق مختلف از جمله تپه کلنان به تاریخ ۴۰۵۰ تا ۳۶۵۰ پ.م (ساعد موجشی و دیگران، ۱۳۹۰ الف) و تپه شیزر تاکستان به تاریخ ۴۰۰۰ تا ۳۹۰۰ پ.م. (مصطفی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۰، جدول ۵-۱) و سه‌چای تپه زنجان به تاریخ ۴۲۵۲ تا ۴۰۳۸ پ.م. (رحیمی سرخنی، ۱۳۸۷) می‌توان محوطه‌های تل ۱۱ و تپه قشلاق را در فاز میانی دوره دالما قرار داد و تاریخی برابر با ۴۱۰۰ تا ۳۹۰۰ پ.م. را برای این دو محوطه پیشنهاد نمود. همچنین در نقشه توزیع فرهنگ سفالی دالما محدوده شرقی پراکنش آن را از شرق کردستان تا استان زنجان و کرانه غربی مرکز فلات ایران (تاکستان) را در نیمه دوم هزاره پنجم و نیمه اول هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد دارای یک نوع فرهنگ با خصوصیات بومی ذکر کرد (نقشه ۱).

منابع

الف) فارسی

خسروی، شکوه، خطیب شهیدی، حمید و علی بیگی، سجاد، ۱۳۸۸، حوضه آبریز ابهر رود در دوره مس سنگ: مروری بر استقرارهای دالمایی حاشیه شمال غربی مرکز فلات ایران، پیام باستان‌شناسی، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد واحد ابهر، سال ششم، شماره دوازدهم صص ۳۷-۵۲.

ذیفر، حامد، ۱۳۹۱، گونه‌شناسی و گاهنگاری نسبی سفال‌های مس‌سنگی تل ۱۱ تالوار، بیجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر (منتشر نشده).

رحیمی سرخنی، رقیه، ۱۳۸۷، گونه‌شناسی و گاهنگاری نسبی سفال‌های مس سنگ در محوطه سه‌چای گلابر، زنجان، پروژه پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

عالی، ابوالفضل، ۱۳۸۶، کاوش‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی پشت سد گلابر زنجان، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

ساعد موجشی، امیر، ۱۳۹۰، لایه‌نگاری تپه کلنان روستای شیرلان بیجار، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).

_____، ۱۳۹۱، بررسی الگوهای استقرار شرق استان کردستان (حاشیه رودخانه قزل اوزن)، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده)

_____، کمال‌الدین نیکنومی، مرجان مشکور، حسن فاضلی نشلی، بهمن فیروزمندی، ۱۳۹۰ الف، گاهنگاری نسبی و مطلق تپه کلنان بیجار: محوطه‌ای متعلق به دوره مس و سنگ میانه در غرب ایران، نشریه نامه باستان‌شناسی، شماره ۱، دوره اول، صص: ۳۰-۵۶.



Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science





_____، کمال‌الدین نیکنامی، زاهد کریمی، اقبال عزیزی و علی بهنیا، ۱۳۹۰ ب، الگوهای استقرار محوطه های مس‌سنگی میانه حاشیه رودخانه های تلوار (شهرستان های ده گلان و قروه)، پیام باستان‌شناس، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال هشتم، شماره شانزدهم، صص ۳۴-۱۷.

مترجم، عباس، ۱۳۸۹، کاوش‌های باستان‌شناختی تپه قشلاق چهل امیران حوضه آبگیر سد تالوار، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

مصطفی‌پور، ایمان، ۱۳۹۰، گونه‌شناسی و گاهنگاری مسی سفال‌های عصر مفرغ تپه شیر تاختستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).

وحدتی‌نسب، حامد، ۱۳۸۷، گزارش بررسی باستان‌شناختی سد مخزنی تالوار بیجار، کردستان، بایگانی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان (منتشر نشده).

وحدتی‌نسب، حامد و محمود حیدریان، ۱۳۸۸، گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناسی حوضه آبگیر سد تالوار (بیجار)، مجله پیام باستان‌شناس، مجله علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال ششم، شماره دوازدهم، صص ۶۸-۵۳.

ولی‌پور، حمیدرضا، ۱۳۸۵، گزارش مقدماتی فصل نخست کاوش باستان‌شناختی تپه شیر تاختستان، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

_____، ۱۳۸۹، گزارش فصل اول کاوش در محوطه شماره ۱۱ سد تالوار، کاوش‌های باستان‌شناسی نجات‌بخشی حوضه آبگیر سد تالوار (بیجار)، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی، (منتشر نشده).

_____، ایمان مصطفی‌پور، رضا بهدادفرد، غفور کاکا، ۱۳۸۹، گزارش مقدماتی فصل اول کاوش در محوطه شماره ۱۱ سد تالوار، بیجار، کردستان، پیام باستان‌شناس، مجله علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، سال هفتم، شماره سیزدهم، صص ۷۲-۴۷.

وویت، مری ماتیلدا و رابرت هنری دایسون، ۱۳۸۲، گاهنگاری ایران از حدود هشت هزار تا دو هزار پیش از میلاد، ترجمه اکبر پورفرج و احمد چاپچی امیرخیز، تهران، انتشارات نسل باران.

(ب) غیرفارسی

Hamlin, C., ۱۹۷۳, The ۱۹۷۱ Excavations at Seh Gabi, Iran, *Archaeology*, Vol. ۲۶, No. ۳, pp. ۲۲۴-۲۲۸.

_____, ۱۹۷۴, Seh Gabi, ۱۹۷۳, *Archaeology*, Vol. ۲۷, No. ۴, pp. ۲۷۴-۲۷۷.

_____, ۱۹۷۵, Dalma Tepe, *IRAN*, Vol. XIII, pp. ۱۱۱-۱۲۸.

Henrickson, E.F.F., ۱۹۸۳, *Ceramic Styles and Cultural Interaction in the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros, Iran*, Ph.D. Dissertation, Department of Anthropology, University of Toronto, Toronto.



Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science





Henrickson, E.F.F., ۱۹۸۵, An Updated Chronology of the Early and Middle Chalcolithic of the Central Zagros Highlands, Western Iran, *IRAN*, Vol. XXIII, pp. ۶۳-۱۰۸.

—————, & Vitali, V., ۱۹۸۷, The Dalma Tradition: Prehistoric Inter-Region Cultural Interaction in Highland Western Iran, *Paleorient*, Vol. ۱۳/۲, pp. ۳۷-۴۵.

Levine, L.D., ۱۹۷۲, She Gabi, *IRAN*, Vol. X, pp. ۱۷۹-۱۸۰.

—————, ۱۹۷۵, The Excavations at She Gabi, *Proceedings of the ۳rd. Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, Tehran, ۱۹۷۴*, Bagherzadeh, F., (ed.), Iranian Centre for archaeological Research, Tehran, pp. ۳۱-۴۴.

—————, ۱۹۷۶_a, “Survey in the Province Kermanshah, ۱۹۷۵: Mahidasht in the Prehistoric and Early Historic Periods”, *Proceedings of the ۴th. Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, ۱۹۷۵*, Bagherzadeh, F., (ed.), Iranian Centre for archaeological Research, Tehran, pp. ۳۱-۴۴.

—————, ۱۹۷۶_b, “The Mahidasht Project”, *IRAN*, Vol. XIV, pp. ۱۶۰-۱۶۱.

—————, & Hamlin, C., ۱۹۷۴, The Godin Project: Seh Gabi, *IRAN*, Vol. XII, pp. ۲۱۱-۲۱۳.

—————, & McDonald, M.A., ۱۹۷۷, “The Neolithic and Chalcolithic Periods in Mahidasht”, *IRAN*, Vol. XV, pp. ۳۹-۵۰.

—————, & Young, T.C.Jr., ۱۹۸۶, A Summary of the Ceramic Assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the Late Third Millennium B.C., In: *Prehistoire de la Mesopotamie*, Hout, J.L., (ed.), Editions du CNRS, Paris.

Mortensen, P., ۱۹۷۴_a, A Survey of Prehistoric Settlements in Northern Luristan, *Acta Archaeologica*, Vol. ۴۵-I, pp. ۱-۴۷.

—————, ۱۹۷۴_b, A Survey of Early Prehistoric Sites in the Hulailan Valley in Lorestan, *Proceedings of the Second Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, Tehran, ۱۹۷۳*, pp. ۳۴-۵۲.

Solecky, R.L., & Solecky, R., ۱۹۷۳, Tepe Seavan, Azarbaijan, *Bulletin of the Asia Institute of Pahlavi University*, No. ۳, Shiraz, pp. ۹۸-۱۱۷.

—————, ۱۹۶۹, “Survey in Western Azerbaijan”, *IRAN*, Vol. VII, pp. ۹۰-۱۸۹.



Sponsored and indexed by
CIVILICA
We Respect the Science





—————, ۱۹۹۹, “An Archaeological Survey in Western Azerbaijan, Iran”, *The Iranian World: Essays on Iranian Art and Archaeology Presented to Ezat. Negahban, A. Alizadeh, Y. Majidzadeh & S. M. Shahrizadeh*(Eds.), Tehran, Iran University Press, pp. ۲۸-۴۳.

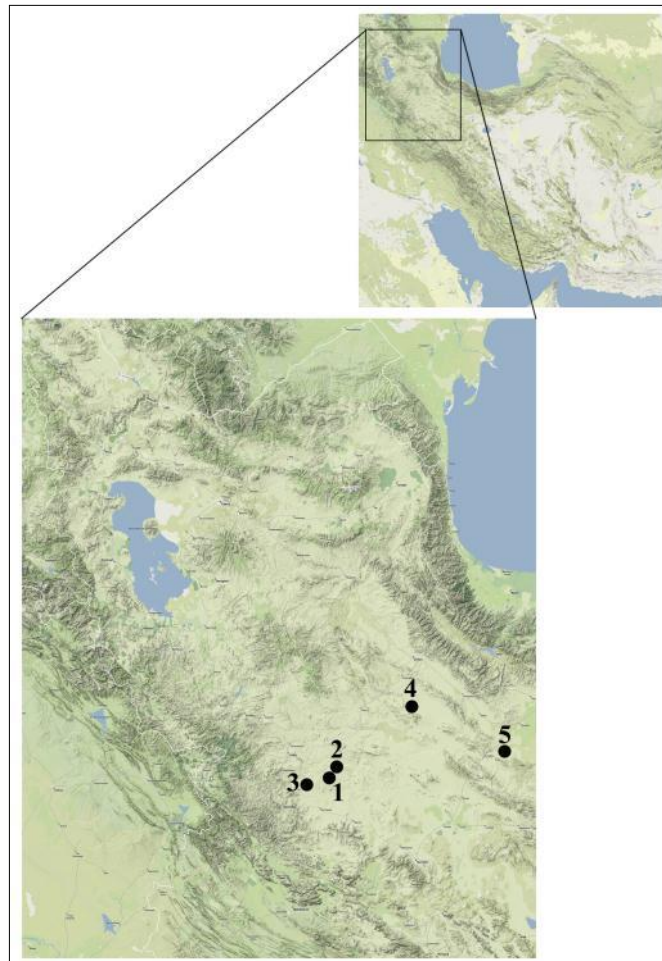
Swiny, S., ۱۹۷۵, Survey in North-West Iran: ۱۹۷۱, *East and West* , Vol. ۲۵, pp. ۷۷-۹۸.

Young, T.C.Jr., ۱۹۶۳, Dalma Painted Pottery, *Expedition* ۵, pp. ۳۸-۳۹.

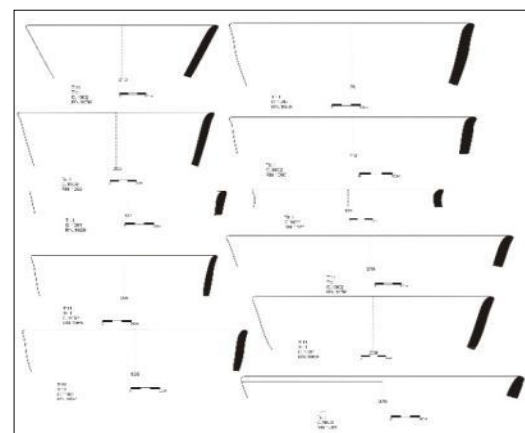
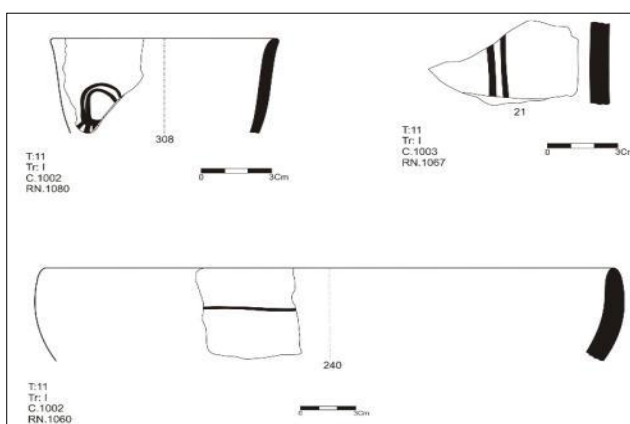
—————, & Levine, L. D., ۱۹۷۴, *Excavations of the Godin Project: Second Progress Report*, Occasional Paper ۲۶, Art and Archaeology, Royal Ontario Museum (ROM).



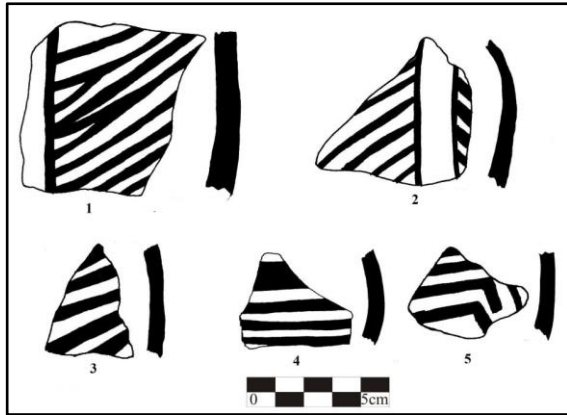
طرح‌ها و تصاویر



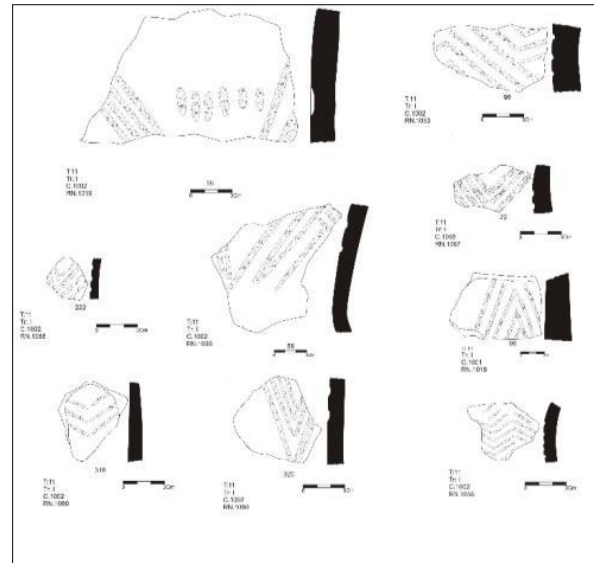
نقشه ۱: شمال غرب ایران و محوطه‌های مطالعه شده در متن:
۱- تل ۱۱، ۲- تل ۱۲، ۳- تپه کلنان، ۴- سه‌چای تپه، ۵- تپه شیزر.



طرح ۱: نمونه‌ای از سفال ساده کاسه‌های دهانه باز
طرح ۲: نمونه‌ای سفال‌های منقوش تک رنگ



طرح ۴: نمونه‌های سفال‌های منقوش تک رنگ



طرح ۳: نمونه‌ای از سفال‌های نقش کنده



تصویر ۲: سفال‌های منقوش تک رنگ تل ۱۱



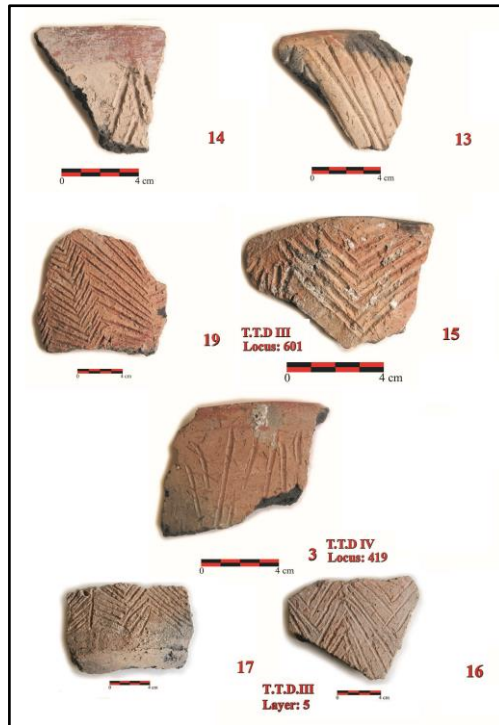
تصویر ۱: سفال‌های ساده قرمز و قهوه‌ای



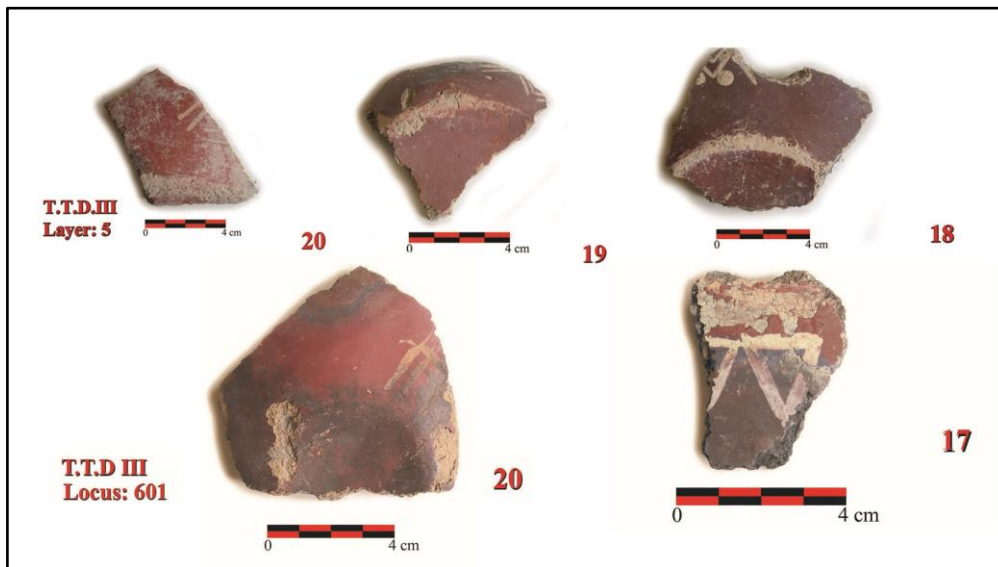
تصویر ۳: نمونه‌هایی از سفال‌های تپه سها زنجان



تصویر ۴: نمونه‌هایی از سفال‌های تپه شیزر تاکستان



تصویر ۵: سفال‌های نقش کنده تپه قشلاق



تصویر ۶: سفال‌های منقوش تک رنگ تپه قشلاق

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop